

این سخنرانی از جناب آقای دکتر احمد هومن استاد دانشگاه است که در اردیبهشت ماه ۱۳۴۱ در یکی از جلسات « سمینار مسائل ایران » ایراد گردید و بسیار مورد توجه و تحسین حضار قرار گرفت. قسمت اول آن در شماره پنجم درج گردید و اینک بقیه آن در این شماره « مجله مسائل ایران » درج می شود.

## مجله کشاورزی در ایران

از : دکتر احمد هومن  
استاد دانشگاه وکیل دعاوی

### و تعدیل مالکیت ارضی

با وجودی که مسائل فنی برای غیر وارد و اهل اصطلاح خسته کننده است اجازه می خواهم توضیحاتی چند پیرامون مسائل فنی با اجازه خانمها و آقایان بعرض برسانم تا در موضوعاتی که بعداً معروض خواهد شد باسانی قضاوت فرمایند. قبلاً بایستی اطلاعاتی از وضع کشاورزی ایران که طبق برآوردهای علمی سازمان برنامه ، وزارت کشاورزی ، سازمان جهانی خواربار و کشاورزی F.A.O. و نشریات سازمان ملل در دسترس است بسمع شما برسانم و ضمناً اصطلاحات رایج را نیز بیان کنم .

مساحت کل کشور ما ۱۶۴ میلیون هکتار ، جمعیت آن طبق آخرین آمار بطور تقریب ۲۱ میلیون ، عده روستائیان در حدود  $\frac{1}{4}$  ۰/۷۲ و عایدی هر فرد دهقانی در سال فقط ۶۰۰۰ ریال برآورد شده است . ۰/۴۹ از کل مساحت زمینهای ایران کوه و دره بوده و غیر قابل استفاده است . ۰/۷ مرتع ، ۰/۱۱ جنگل ، ۰/۲ منازل و کارخانهها و راهها ، چهاردرصد زمینهای زیر کشت ، ۰/۶ زمینهای زیر آیش وجود دارد و ۰/۲۰ زمینهای قابل استفاده باقی است که با اندک تلاش و سرمایه گذاری و ایجاد آب بخوبی قابل استفاده خواهد بود . چهاردرصد زمینهای قابل کشت قریب ۶ میلیون هکتار است که یک نلث آن آبی و دو نلث آن دیمی است .

در سرشماری سال ۱۳۳۵ نقاطی که سکنه آن از پنج هزار نفر بیشتر بوده است جزو شهر بحساب آورده و جاهاییکه کمتر از پنج هزار نفر داشته است جزو ده محسوب داشته اند . اگر تعداد جمعیت پنجهزار نفر کمتر را یک ده تلقی کنیم بنا براین سرشماری تعداد دهات ایران ۴۹۰۵۴ خواهد بود که طبق جدول زیرین در استانهای مختلف واقع شده اند.

د	۳۰۱۶	استان مرکزی
»	۳۷۰۶	گیلان
»	۴۶۰۲	مازندران و گرگان
»	۴۴۵۳	آذربایجان شرقی
»	۲۵۵۶	آذربایجان غربی
»	۳۷۷۰	کرمانشاهان
»	۲۰۱۹	کردستان
»	۴۹۹۲	خوزستان و لرستان
»	۳۳۸۲	فارس و بنادر
»	۴۸۴۵	کرمان
»	۶۹۱۷	خراسان
»	۳۶۸۰	اصفهان و یزد
»	۱۷۴۶	بلوچستان و سیستان

باز طبق همان آمار رسمی جمعیت ۱۸۵۷۰ ده کمتر از یکصد نفر و جمعیت ۱۱۵۷۶ ده بین ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر و جمعیت ۱۰۳۱۶ ده بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر و جمعیت ۳۹۳۹ ده بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ نفر و جمعیت ۲۷۳۶ ده بین یک هزار و چهارصد و شصت و سه نفر و جمعیت ده هزارده تا دو هزار نفر و جمعیت ۴۳۱ ده بین دوتا پنجاه هزار نفر است .

قبل از مقررات جدید دهات ایران **دهات اربابی، خرده مالک، خالصه و موقوفه** تقسیم می شدند .

**ده اربابی** - دهی است که مالکیت آن متعلق به شخص و یا اشخاصی است که شخصاً و مستقیماً بامور زراعتی اشتغال ندارند . طبق مصاحبه آقای وزیر کشاورزی از تعداد پنجاه هزار دهکده ، ده هزار تای آنها متعلق باشخاصی است که از پنج تا صد و صد و پنجاه ده در اختیار دارند و هفت هزار تای آن متعلق باشخاصی است که از یک تا پنج ده مالکند .

**ده خرده مالک** - بدهی گفته می شود که مالکیت آن مشاعاً و یا مفروضاً متعلق بچند نفر باشد . در این دهات خرده مالکی ممکن است مالک شخصاً بامر زراعت اشتغال داشته و یا فقط بهره مالکانه ببرد . بازم طبق اظهار آقای وزیر کشاورزی که مبنایش آمار وزارت کشاورزی است در ایران پانزده هزار قریه خرده مالک وجود دارد .

**دهات خالصه** - دهاتی است که مالکیت آنها متعلق و طبق قانون تقسیم خالصجات سال ۱۳۳۴ در اختیار وزارت کشاورزی است .

**وجه تسمیه خالصه** - از کتاب جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله ابوالخیر وزیر غازان خان مغول اقتباس شده است .

خواجه رشیدالدین اداره‌ای که املاک دولتی را در زمان مغول اداره می‌کرده است « دیوان خالصات » می‌نامد .

**دهات موقوفه** - یعنی دهاتی که واقف، منافعی را طبق مقررات قانون مدنی مصرف مقاصد نوعیه و خیریه مینماید . طبق آمار اداره کل اوقاف تعداد آنها بالغ بر ۴۴۱۲۸ رقیه کوچک و بزرگ میباشد . کسانی که دردهات مابنحوی از انحاء دخالت دارند عبارتند از: زارع ، مالک ، غله‌کار، صیفی‌کار، باغدار، چوپان ، گاوبند، سربنه ، دشتبان ، آبیاری، سیاد، پیلهور، خوش‌نشین، بزرگس، دروگر، آهنگر، نجار، حمامی، سلمانی.

**زارع** - کسی است که از عوامل تولیدکار و گاو و در بعضی نقاط بذر را تهیه و در زمین متعلق بمالک‌کار می‌کند و سهمی از محصول را بصورت نقد یا جنس بمالک می‌پردازد . ممکن است رعیت گاو تنها یا بذر تنها را بشرکت بگذارد و عامل دیگر را از مالک گاوبند یا از گاوبند بگیرد . ولی در هر حال شرط اصلی اینست که شخصاً روی زمین مورد بحث کار کند و لااقل یکی از دو عامل بذر و گاو را بشرکت بگذارد .

**گاوبند** - گرچه در بعضی نقاط ایران از اسب و قاطر و الاغ و شتر و گاو میش بجای گاو استفاده می‌کنند ولی معمولاً عمل تخم و درو و کوبیدن محصول بوسیله گاو انجام می‌شود . گاوبند اصطلاح مخصوص برای کسانی است که در ده دکان و یا باغ داشته گاوبند و گاهی هم کود را تهیه نموده شخصاً روی زمین کار نمی‌کنند ، عده‌ای را هم باسم بزرگ‌بر برای زراعت زمین مالک استخدام کرده مبلغ مختصری باسم «پیه‌سوز» بآنها می‌دهند و ما بقی را خود می‌برند . این طبقه که در بهبهان « معمار » نامیده شده در بعضی نقاط اسامی دیگری هم دارند طبقه متعددی و بل‌بگیر و طفیلی دهات محسوب شده کود و آب زارعین را بلطایف‌الحیل تصرف کرده بتاراج می‌برند .

**غله‌کار و صیفی‌کار** - چنانچه از اسم آنها بر می‌آید کشاورزانی هستند که در قسمت کاشتن و درو گندم و جو یا صیفی و شتوی تخصص دارند .

**باغدار** - کسی است که بغرس درختان و ایجاد باغ مشغول بوده از فروش درخت میوه و سر درختی استفاده می‌کند .

**چوپان** - کسی است که از طرف مالک یا کشاورز از دامها نگاهداری کرده در مقابل سالیانه بطور جنسی مزد می‌گیرد .

**سربنه** - در اصطلاح گاوبندان بنه عبارت از عملی است که بوسیله گاو انجام می‌گیرد (معمولاً یک جفت گاو در روز هزار متر و حداکثر ۱۵۰۰ متر زمین را شیار می‌کند . هر بند عبارت از دو چهار تا شش گاو است . شخصی

را که برای مراقبت بنه‌ها انتخاب می‌کنند سر بنه می‌نامند .

**خوش‌نشین** - کسی است که با وجود سکونت در ده عمل زراعتی انجام نمیدهد گاهی مانند پیلهوران بکشاورزان در مقابل فرح سنگین وام می‌دهند یا اینکه برای استفادۀ شخصی بین رعایا اخلاص کرده باعث اختلاف می‌شوند در يك اصطلاح دیگر خوش‌نشین بعملجات و کارگرانی اطلاق می‌شود که در دهات وارد گردیده هر جا کار باشد چند روزی مانده کار می‌کنند و بعد از اتمام کار بده دیگر رفته همین عمل را انجام می‌دهند .

**دشتبان** - کسی است که مراقب اراضی مزروعی بوده از ورود حیوانات و عبور انسان و خرابی مزرعه جلوگیری می‌نماید .

**آبیاری** - کسی است که برای آوردن آب از قنات یا رودخانه مراقبت کرده از هر ز رفتن آب جلوگیری و در تقسیم آب بزمین دقت و مراقبت نماید .

**صیاد** - صیاد در شمال ایران و جاهائی که صید ماهی در کنار رودخانه‌ها عملی است بصید ماهی اشتغال داشته از صید ماهی ارتزاق می‌کند .

**پیلهور** - که در شمال ایران بطواف معروف است سوداگرانی هستند که قماش و اجناس مورد احتیاج کشاورزان را از شهرها خریده بوسیله چهارپا یا دوچرخه در بعضی نقاط بوسیله اتومبیل حمل کرده بکشاورزان می‌فروشند . این اشخاص جنس خود را بحد اکثر فروخته و محصول آنها را بحد اقل می‌خرند . با اصطلاح سلف‌خری می‌کنند ، ایس عده بلای جان کشاورزان ایرانی بشمار می‌آیند .

**آهنگر** ، نجار ، حمامی و سلمانی محتاج بتوضیح نیست ، حوائج عمومی را برایگان انجام داده سالیانه سهمی از زارعین بطور جنسی دریافت می‌دارند .

**نسق‌بندی** - در دهات ایران تشکیلات زراعتی را نسق‌بندی می‌گویند . نسق‌بندی عبارت از تقسیم اراضی مزروعی يك ده اعم از زیر کشت و آیش آبی و دیمی مـرغوب و نامرغوب بین زارعین است . نسق‌بندی در نقاط مختلف کشور متفاوت بوده در هر محل بر مبنای واحدهای مختلف (بنه، چوخه، تومان، جفت، زوج، فرد، من و اجـزاء آن چارك، سیر، پونزه) شعیر تقسیم می‌شود . نسق‌بندی ممکن است دائمی یا سالیانه باشد . در اکثر دهات نسق‌بندی دائمی است ، حق استفاده از زمین بصورت رسم و عرف و عادت دائمی بوده بصورت ارث از زارع بورثه او منتقل می‌شود .

در معدودی از دهات نسق‌بندی دائمی نبوده هر يك یا چند سال یکبار اراضی از طریق قره‌پشک (قرعه) بین زارعین تقسیم می‌شود .

نسق بندی یا تقسیم اراضی در بین زارعین بهر عنوان که باشد تابعی است از نیروی کشش و کار یک جفت حیوان کار (گاو) در زمینهای آبی، عامل آب هم بسیار مؤثر است.

نسق بندی از نظر سهولت بر مبنای عدد ۲ یا ۴ یا ضرائب آنست. مثلاً در دهاتی که نسق بندی بر مبنای بنه است یک ده را به ۴ یا ۸ بنه تقسیم می کند یعنی اراضی ده چهار یا هشت قسمت می شود که هر قسمت در اختیار یک نفر سربنه قرار می گیرد (در داخل بنه ۴ یا ۸ یا ۱۲ زارع کاری کنند). و در دهاتی که واحد تقسیمات جفت گاو می باشد ده را بر حسب وسعت به ۲۴ جفت یا ۴۸ یا ۶۴ یا ۷۲ یا ضرائب مشابه آن تقسیم بندی می کنند. بنابراین استعداد و توانائی هر خانوار زارع ممکن است معادل مساحت یک یا دو یا ۴ جفت گاو باشد.

### واحدهای اندازه گیری - مامتغیر است و در هر منطقه اسامی مخصوص

بخود دارد که بایستی با آنها آشنا شد. واحدهای اندازه گیری مساحت تابعی است از مقدار وزن بذر مصرفی، و بهمین دلیل اصطلاحات مختلفی مثل: من عباسی، من زنجان، چناق و من تبریز دارد.

خروار معادل است با یکصد من، من در بعضی مناطق معادل ۶ کیلو (من شاه اصفهان) در بعضی جاها ۳ کیلو (من تبریز) در بعضی جاها ۵ کیلو است (در دهات آذربایجان) برای اندازه گیری باغات طناب و من هر دو استعمال می شود. در زراعت آبی و صیفی از واحد چریب استفاده می کنند که در بعضی مناطق یک هکتار مربع و در بعضی جاها ده هزار متر می باشد.

### واحد حجم - جوال، طغارا است (مخصوصاً در کردستان و رضائیه) و

واحد اندازه گیری آب سنگ است (معادل ۱۴ لیتر در ثانیه) و در بعضی نقاط لوله قفیز و اصطلاحات مختلف دیگر نیز استعمال می شود.

قبل از تصویب نامه دیماه ۴۰ تقسیم محصول طبق عوامل پنجگانه بین مالک و رعیت تقسیم می شد. مالک و زارع در مقابل یکدیگر مقاومت کرده بسته بضعف و قدرت خود از یکدیگر سوء استفاده می کردند. هر یک از دو طبقه سعی کرده به روشی که میسر است سهم بیشتری بدست آورده طرف مقابل را مغبون کند. بنابراین در ایران در هر منطقه بنا بر مقتضیات محلی و روحیه مردم عادات و رسوم قدیمی طرز تقسیم محصول متفاوت بوده است.

جدول زیر طرز تقسیم محصول را در اراضی آبی و صیفی و شتوی طبق آمار رسمی وزارت کشاورزی خلاصه کرده، سهم مالک و زارع را بدو

قسمت (حدا کثر و حداقل) قبل از تصویب نامهٔ دیماه ۴۰ نشان می‌دهد.

سهم زارع		سهم مالک		عوام	نوع زراعت
حدا کثر	حدا قل	حدا کثر	حدا قل		
۰/۰۱۷	۰/۰۵۰	۰/۰۵۰	۰/۰۸۳	زمین - آب - بذر یا مالک - کار با زارع - بذر از وسط	آبی و شتوی
۰/۰۴۰	۰/۰۵۰	۰/۰۵۰	۰/۰۶۰	زمین - آب - با مالک - گاو و کار با زارع	« «
۰/۰۳۳	۰/۰۹۵	۰/۰۵۰	۰/۰۶۷	زمین - آب با مالک - گاو و بذر و کار با زارع	« «
۰/۰۷۵	۰/۰۹۰	۰/۰۱۰	۰/۰۲۵	زمین گاو با مالک - کار و بذر با زارع	دیسم
۰/۰۵۰	۰/۰۵۰	۰/۰۵۰	۰/۰۵۰	زمین - بذر یا مالک - کار و گاو با زارع	«
۰/۰۲۰	۰/۰۴۰	۰/۰۶۰	۰/۰۸۰	تمام عوامل با مالک - کار با زارع	صیفی
۰/۰۱۷	۰/۰۶۷	۰/۰۳۳	۰/۰۸۳	زمین - آب - بذر و کود با مالک - گاو و کار با زارع	«
۰/۰۲۵	۰/۰۴۰	۰/۰۶۰	۰/۰۷۵	زمین - آب و کود با مالک - کار - گاو - بذر با زارع	«
۰/۰۳۴	۰/۰۷۵	۰/۰۲۵	۰/۰۶۶	زمین - آب با مالک - کار - گاو - بذر - کود با زارع	«

بدیهی است در دهاتی که سیستم گاو بندگی متداول است محصول بسه قسمت بین مالک و گاو بند و برزگر تقسیم میشود و معمولا سهم مالک با در نظر گرفتن عواملی که فراهم میکند همان است که در جدول فوق قید گردیده است و بیشتر سهم زارع است که بین گاو بند و برزگر تقسیم میگردد.

رتال جامع علوم انسانی

کتابخانه  
بنیاد فرهنگ ایران